

به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

## جهانی دیگر بدون رفع نابرابری جنسیتی امکان پذیر نخواهد بود

ناهید جعفرپور

فمنیست ها برای جهانی مبارزه می کنند که در آن تقسیم ناعادلانه موجود کار از بین برده شود: یعنی کار بیمزد طاقت فرسای بازتولید زندگی به عهده زنان قرار می گیرد و کار بامزد اکثرا به مردان سپرده می شود.

فمنیست ها بر این باورند که در وضعیت تاسف بار کنونی جهان، سیستم فکری پدرسالارانه و ساختارهای اجتماعی این سیستم، مسئولین مستقیم فقر، گرسنگی، استثمار انسانها و غارت طبیعت، تمامی جنگ ها و تهدیدات زندگی اطراف ما از طریق نیروگاه های اتمی، صنایع شیمیکال و... می باشد.

فمنیست ها خواهان همزیستی برابر تمامی انسانها بدون در نظر گرفتن جنسیت، سن و سال، وابستگی قومی، معلولیت، وابستگی به آئین و مذهب مشخص، نژاد و رنگ پوست و زبان و آئین و... می باشند. فمنیست ها در مقابل تفاهم دروغینی که با نام احترام به آئین و رسوم انسانها باعث می شود که در مقابل مثلا قتل های ناموسی، ختنه زنان، حجاب اجباری و ازدواج های اجباری و... سکوت اختیار شود، بشدت مقابله می نمایند.

طرز تفکر فمنیستی از ساختارهای اجتماعی همچنین، به بنیان های سیاست سوسیالیسم نسبت به زنان از دید منتقدانه برخورد می نماید. زیرا که در سوسیالیسم هم میان زنان و مردان تقسیم کاری ناعادلانه وجود دارد که در سیاست تأثیرات خود را باقی خواهد گذاشت.

در طرز تفکر سوسیالیسم هم زنان بطور سنتی وظیفه اصلی رسیدگی به خانواده و کار خانگی بدون مزد را بعهده دارند. درست است که زنان در جامعه سوسیالیستی از حقوق شغلی و اجتماعی برابر با مردان برخوردارند ولی زندگی داخل خانه و بیرون از خانه زنان را نمی توان از هم جدا نمود. در سیاست های فمنیستی فرقی میان کار درون خانه و خارج از خانه وجود ندارد. بالاخره این تضاد را باید حل

مهمترین وظایفش باشد. وضعیت اقتصادی زنان همچنین نقش اساسی در این سیاست خواهد داشت. از جمله به تحقق پیوستن حق تصمیم گیری زنان بر پیکر خود، حق انتخاب نوع زندگی، نوع کار، نوع جابجائی واز همه مهمتر حق مبارزه با خشونت های فردی و اجتماعی که بر زندگی زنان سایه انداخته است. فمنیست ها همچنین خواهان قدرت برابر با مردان در سیاست می باشند. این خواست نه تنها از این جهت دارای اهمیت است که از اولین شرط های اجرای دموکراسی و عدالت اجتماعی است بلکه زنان نیمی و شاید بیشتر جمعیت جهان را تشکیل می دهند و بر این باورند که نظم فعلی جهان را باید از نگاه زنان تغییر داد و در ثانی تجربیات جهان نشان داده است که هیچ مبارزه ای بدون شرکت زنان نتوانسته است به موفقیت کامل برسد. سهمیه بندی زنان در سیاست به مفهوم نگاه از بالا و نگاه به اقلیتی قابل رهبری است. عدم حضور فعال زنان در احزاب و سازمانهای سیاسی و حتی نهاد های دموکراتیک موجود جهان و منطقه، دقیقا از همین منطق نگاه به اقلیتی در حاشیه این احزاب و سازمانها و نهاد ها نشئت می گیرد (برای اثبات این ادعا کافی است عمر سی سال گذشته احزاب و سازمانهای سیاسی ایرانی را زیر ذره بین ببریم تا به علل حضور و یا عدم حضور و یا کناره گیری زنان از فعالیت های متشکل پی ببریم).



فمنیسم فکری مستقل و سیستمی عملی است که هدفمند در صدد است تا زندگی بر روی زمین، انسانی تر و عادلانه تر گردد. این سیستم مستقل، از جهان بینی فراگیر و شناخته شده ای برخوردار است. جهان بینی که بر بستر شناخت و تجربیات بسیاری از زنان جهان بنا شده است. بدون طرز تفکر فمنیستی تمدنی صلح آمیز امکان پذیر نخواهد بود. ما هم اکنون در جهانی پدر سالارانه و مملو از جنگ و خشونت و انهدام محیط زیست بسر می بریم. تکیه کنونی این نظم اجتماعی جهانی بر کنترل جنسیتی بخصوص زنان - و سازماندهی سیستماتیک خشونت از طریق نظامیگری و جنگ و نابرابری تحت رهبری " سرمایه داری پدرسالارانه" یا " نئولیبرالیسم" قرار دارد. بیان این رهبریت رقابت در خشونت و استثمار است. استثمار زمانی به وقوع می پیوندد که بالای اجتماع و پائین اجتماع، برنده و بازنده، ثروتمند و فقیر، کشور های توسعه یافته و کشورهای توسعه نیافته، باسواد و بی سواد، ارزش و غیر ارزش، کار با مزد و کاری مزد، ترجیح دادن اقتصاد به محیط زیست و... وجود داشته باشد. این تشخیص ساختارهای اجتماعی قدرتی و اثرات شوم آن با خود بازگشت سیستم فکری پدرسالارانه و ساختارهای اجتماعی خاص این سیستم فکری را به همراه آورده است.

در فمنیسم در مقایسه با سرمایه داری پدر سالارانه، ارزش های دیگری نهفته است: در مرکز این ارزش ها زندگی بهتر برای تمامی موجودات زنده و بجای استثمار و رقابت، همکاری و تقسیم عادلانه قرار گرفته است. بجای جامعه ای هرمی شکل سلسله مراتبی، اشکال سمبلیکی چون دایره ارزش های برابری خواهانه و اشتراکی و چرخشی اندیشیدن بعنوان ابزار های عمده و اساسی قرار گرفته است. فمنیست ها خواهان سیاستی هستند که زندگی عادلانه با نیاز های مهم انسانی از

نمود. نمی توان در خارج از خانه به حقوق برابر رسید و درون خانه استعمار شد؟

و اما برای حل مشکل باید از پائین جامعه شروع نمود. بطور مشخص طرح کردن خواسته های کلاسیک و دمکراتیک جنبش زنان مثل: ۱/ تصمیم گیری مستقل زنان در رابطه با پیکر زنان: بارداری، سقط جنین، ازدواج، طلاق، حضانت و... ۲/ شانس برابر زنان با مردان در آموزش، انتخاب شغل و راه یابی برابر به مشاغل سیاسی... ۳/ مبارزه با خشونت بصورت نهادینه، خشونت هائی که با خود مناسباتی را به همراه می آورند که باعث می شوند تک تک انسانها و گروه ها از این امکان دمکراتیک که زندگی خویش را خود بصورتی فعال سازماندهی نمایند محروم شوند.

مردان مرتبا بیان می کنند که زنان همیشه از رابطه و پیوند عادلانه صحبت می کنند و همواره خود را در کار "اجتماعی" ذیصلاح می دانند. این نگاه دهقانی (به مفهوم بسته و یک بعدی) جامعه مردانه نسبت به زنان کاملا از ارزیابی یکطرفه آنان نسبت به تعریف کاراجتماعی نشئت می گیرد زیرا که کار اجتماعی تبلور مناسبات و روابط دو جانبه و در بعد وسیع همه جانبه است و در این مناسبات دو جانبه و همه جانبه "اشتراکات میان انسانی" نقش اساسی بازی می کند. در حالیکه زنان در چهار دیواری زندگی خصوصی، در مناسبات زناشویی و تربیت کودکان و پرستاری از سالمندان بصورتی دائمی و بی مزد برای ایجاد فضائی خوب برای باز تولید نیروی کار مردان بصورتی یکجانبه جان می کنند و اکثرا در کنار این وظیفه به کار تولیدی و فکری درون و بیرون از خانه می پردازند. اگر مفهوم ذیصلاح بودن در کاراجتماعی در بر گیرنده این همه تلاش و جان سختی است، باید بگویم که درک مردسالارانه از کار اجتماعی درکی استعمارگرانه و بر مبنی تقسیم ناعادلانه کار در اجتماع است. از این نگاه هم کار گروه ها و نهاد ها و سازمانهای زنان در جامعه زیر ذره بین مردسالارانه می رود و در حاشیه جامعه قرار داده میشود. در واقع در چنین اجتماعاتی زنان به عنوان تعمیرکاران این سیستم بحساب آمده و دچار خشونت های متوالی شده و در همین نقش هم مجبور به قربانی دادن های همیشگی می باشند. (چه در خانواده چه در اجتماع چه

در محیط کاروچه به هنگام بحران ها و چه در جنگ ها و.....)

### وضعیت کنونی زنان جهان

همانطور که گفته شد در نظم جهانی موجود زنان مهمترین قربانیان اجتماعی و اقتصادی می باشند بطور مثال تنها در زمینه بهداشت بر اساس اعلام سازمان بهداشت جهانی هر سال ۱۳۶ میلیون زایمان در دنیا صورت می گیرد که بیش از ۳ میلیون نوزاد مرده به دنیا می آیند و ۴ میلیون از نوزادان هم به علت بیماری در همان روز اول جان خود را از دست می دهند. بر اساس همین گزارش در سال ۱۸ میلیون سقط جنین غیر قانونی صورت می پذیرد که به علت اینکه بیشماری از این سقط جنین ها به دست افراد غیر متخصص و یا با وسایل غیر بهداشتی صورت می گیرد، متاسفانه ۶۸ هزار زن سالانه جان خود را از دست می دهند. سالانه بیماری ایدز بخصوص در کشورهای آفریقا جان بسیاری از زنان را می گیرد. سالانه بیش از ۵۸۵ هزار مادر در دنیا به دلیل عدم توجه به مراقبت های ویژه دوران بارداری جان می سپارند. در زمینه خشونت های اجتماعی و خانگی در سطح جهان از چهار زن یک نفر مورد خشونت قرار می گیرد. در دقیقه یک زن در جهان جان خود را از دست می دهد.



نود میلیون از یکصد میلیون کودک محروم از تحصیل جهان دخترند و همچنین ۶۰۰ میلیون زن در جهان بی سوادند. صدها کارخانه بازار جهانی در مناطق محصور و آزاد تجاری به استعمار وحشیانه میلیون ها دختر نوجوان می پردازند. هزاران زن و دختر نوجوان و برخان دختران خردسال هر روزه از سوی تاجران سکس بطور غیر قانونی از مرزهای کشورهای فقیر خارج شده و در کشورهای شیخ نشین و کشورهای شمال جهان به کار تن فروشی کشانده می شوند. تجارت سکس از مهمترین

بخش های اقتصاد نامرئی جهانی سازی نئولیبرالی است. سالانه میلیون ها زن در کشورهای اسلامی جهان تحت انواع و اقسام تبعیضات اجتماعی و اقتصادی و خشونت های روحی و جسمی قرار می گیرند.....

از سوی دیگر در کشورهای جنوب جهان جنبش های فمینیستی علاقمند به خشونت ها و فشارهای روزانه فوق (فشار جهانی سازی نئولیبرالی بر زندگی زنان این بخش از جهان، دولت های استبدادی بخشا مذهبی با قوانین نشئت گرفته از قوانین شریعت، تفکرات بنیادگرائی زن ستیز، خشونت های ناشی از عقب افتادگی فرهنگی، فقر، جنگ و... اما روز بروز در حال متشکل شدن و مقاومت و مبارزه می باشند. حضور فعال جنبش های فمینیستی آمریکائی لاتینی، آفریقائی، آسیای شرقی، آسیای میانی و... در فوروم جهانی بمبئی و امسال در فوروم جهانی مالی و کاراکاس نشان دهنده بلوغ و پختگی این جنبش ها در صحنه مبارزات جنبش های اجتماعی بین المللی است.

### وضعیت کنونی زنان ایران

در بررسی یکماهه اکثریت نشریات خبری ایرانی توسط یکی از نشریات دانشجویی، اخبار در باره رشد معضلات اجتماعی زنان بصورت زیر می باشد:

مزاحمت با ۲۳/۹۶، طلاق ۱۶/۷، سرقت ۹/۰۱، فرار و فساد ۹/۰۱، قتل و جنایت ۸/۵۷، اعتیاد با ۳/۷۴ درصد، خودکشی ۲/۸۶ درصد است. میانگین سنی دختران دستگیر شده در زندانهای ایران بین ۱۳ تا ۱۶ سال است. قرار گرفتن ۸۵ درصد زنان سرپرست خانوار در حاشیه اجتماعات. رشد ۳۸ درصدی ثبت ازدواج های موقت. مراجعه ۷۵ درصد زنان مبتلا به ایدز به انجمن خدمات مددکاری ایدز. قربانی شدن هر ۱۸ ثانیه یک زن در اثر خشونت خانوادگی. ناخواسته بودن ۴۰ درصد زایمان های زنان ایران. رشد همسرکشی در خشونت های خانوادگی از دیگر خبرهای روزانه است. رشد اختلالات روانی روز افزون زنان خانه دار ایرانی، افزایش قتل های ناموسی، رشد خودکشی و خود سوزی میان زنان، رشد بیکاری در بخش زنان، بی حقوقی به زنان کارگر، رشد فرار دختران از خانه، رشد اعتیاد

میان زنان، رشد روزافزون تن فروشی بعنوان تنها وسیله معاش خانواده و.....از معضلات اجتماعی است که روز به روز در حال رشد است.

همانطور که گفته شد، جهانی سازی نئولیبرالی قربانیان اصلی خویش را از میان زنان بخصوص زنان جنوب جهان و کشور هائی چون کشور ما می رباید. بنا براین زنان کارگر، دهقان، سرپرست خانه وار، خانه دارو اقشار تحتانی جامعه بزرگترین فشار های چند جانبه را هر روز و هر دقیقه متحمل می شوند و برخا چاره ای جز خودسوزی، تن فروشی و فرار از تن دادن به بربرترین خشونت های خانگی ندارند. زندان خانه و زندان بزرگ اجتماع و زندان حکومت دست و پای آنان را به قل و زنجیر کشیده است و شکنجه گران در لباس همسران، مردان خانواده، کارفرمایان سرمایه و عوامل زن ستیز جمهوری اسلامی هر روزه با قوانین دیگر حرفه های جدید تری پیش پای آنان می گشایند و برای خاموشی این بخش مولد زندگی نقشه ها می کشند. نیمی از کارگران ایران چه در بخش خدمات چه در بخش تولیدات صنعتی، تولیدات کشاورزی و چه در بخش خانگی زنانه. نیمی از دانشجویان ایران زنانه و در واقع زنان در کلیه فعالیت های اجتماعی به عنوان نیم فعال در حاشیه جامعه قرار گرفته اند. دقیقا بر بستر گسترده این همه معضل اجتماعی و یک چنین فجایع غیر انسانی نسبت بزنان، جنبش قوی زنان متولد و جان گرفته است و ریشه دوانده است.

اما آیا این تلاش و فعالیت و زجر دائمی و مبارزه روزانه با هزاران مانع زن ستیز( زندان، اعدام، سنگسارو...)، از دید اپوزیسیون مخالف جمهوری اسلامی همپای فلان اعتصاب کارگری و یا فلان اعتصاب دانشجویی که بنوبه خود از اهمیت فراوان برخوردار است، ارزش گذاری می شود؟ مسلما نه. این سؤال روزانه از خاطر هزاران زن می گذرد و هیچگاه جوابی برای آن دریافت نشده است. با نگاهی به نشریات و سایت های تحلیلی و خبری ایرانی این ادعا ملموس تر خواهد شد. صدها مقاله در روز در رابطه با معضلات و مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی در این نشریات و سایت ها نوشته و ترجمه میشود، اما نویسنده مقالات

زنان عمدتا همیشه زنانه و در جایی در صفحات آخر هر نشریه و یا هر سایتی جای می گیرند. چرا؟

### زنان خود چاره جوئی می نمایند.

جنبش زنان ایران به عنوان قوی ترین بخش جنبش اجتماعی ایران چند سويه گی جنبش زنان ایران ( به لحاظ پایگاه اجتماعی) جنبش فمینیست و سکولار داخل و خارج از ایران که بجرئت می توان گفت یکی از قوی ترین و پخته ترین جنبش های فمینیستی در صحنه بین المللی است، در چند سال اخیر در تمامی سطوح تغییرات کیفی و کمی نسبت به تاریخ چند دهه گذشته جنبش زنان در ایران نموده است. کار جدی روشنگری نوشتاری صدها زن محقق، روزنامه نگار، شاعر، نقاش، نویسنده فمینیست سکولار و چپ در داخل و خارج از کشور نقش بسیار بنیانی در بیداری جنبش زنان ایران بطور عام داشته است. وجود تعداد بیشماری سازمان های غیر دولتی، کانون های فرهنگی، سایت ها و وبلاگ های زنان سکولار، نماینگر این کار جدی و مبارزه خستگی ناپذیر زنان داخل و خارج از کشور با سیستم فکری و عملی پدرسالارانه است. جنبش فمینیستی سکولار ایران در زیر فشار استثمارانه مناسبات پدرسالارانه سرمایه داری از یک سو( در بخش خدماتی و تولیدی و فکری) و تیغ و شلاق و شکنجه تحجر و بنیادگرایی رژیم جمهوری اسلامی و قوانین زن ستیزمذهب اسلام بعنوان دین دولتی از سوی دیگر( قوانین ازدواج، طلاق، ارث، حضانت و پوشش و...) و مناسبات نابرابر خانگی ( در شکل خانه داری تربیت فرزندان و رسیدگی به بازتولید نیروی کار مردانه و تولید برای بازار درخانه و...)، موفق شده است روز بروز در راه تشکل و سازماندهی عصیان خود در برابر سیستم حاکم قدم های جدی و موثری تری بردارد. با نگاهی به سایت های فمینیستی داخل و خارج از ایران می توان این روند و پختگی سیاسی اجتماعی مبارزاتی را ملاحظه نمود.

جنبش فمینیست سوسیالیستی ایران، عمدتا در چند سال اوائل انقلاب بصورتی متشکل در ایران فعالیت می نمودند و در موج دستگیری ها و زندان و شکنجه اعدام، بخشا توانستند از دام رژیم جمهوری اسلامی یا به کردستان عراق بگریزند و یا اجبارا در تبعید به کشورهای

اروپائی و یا آمریکائی مهاجرت نمایند و در خارج از کشور مجددا به صورت متشکل در سازمان های زنان فمینیست سکولار چپ شروع به فعالیت نمایند و یا در سازمان های سوسیالیستی به امر مبارزه بپردازند. عده بیشماری از این زنان آگاه و مبارز در همان سال های اوائل انقلاب یا به جوخه های اعدام سپرده شدند و یا سال ها در زندانهای جمهوری اسلامی بسر برده و بعد از آزادی به صورت فردی درون تشکل های فمینیست سکولار ایران تا به امروزه فعالیت پرداخته و می پردازند. هدف این زنان در کنار بسیج زنان به طور عام اما عمدتا بسیج و متشکل نمودن زنان کارگربخش های تولیدی ( بسته بندی کالا های داروئی، آرایشی، الکترونیکی، البسه، پارچه بافی، قالی بافی، کارگران بخش کشاورزی...) و زنان لایه های تحتانی اجتماع به ویژه در استانهای حاشیه ای و محروم کشور که اکثریت مردم تهیدست اند و در ابعاد بسیار وسیعی تحت ستمهای جنسی گوناگون قرار گرفته و به علت فقر، فاقد زمینه های لازم برای رشد آگاهی خود هستند، می باشد.

زنان فمینیست بورژوا، دامنه ناچیزی از زنان معترض ایرانی داخل و خارج از کشور را در بر می گیرد که گر چه چون تمامی زنان ایرانی از بی حقوقی خود تحت مناسبات پدرسالارانه و قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی رنج می برند اما در مصاف با مجادلات اجتماعی سیاسی همواره از منافع نظام سرمایه داری دفاع می نمایند. این قشر زنان هرگز خواهان ایده ی جمعی برای مبارزه با سیستم سرمایه داری مردسالارانه - حتی برای کسب حقوق برابر سیاسی با مردان- نبوده چرا که می دانند برای هرگونه تحول اجتماعی سیاسی باید سیستم سرمایه داری را زیر علامت سؤال برند. این قشر زنان عمدتا در میان زنان اقشار بالائی جامعه قرار دارند.

و اما در کنار این سه نگاه از فمینیسم، نگاه چهارمی مستقلا در جریان است که با وجود قرار گرفتن در سیطره جامعه مرد سالار و درگیر بودن با فشار های ناشی از این جامعه مرد سالار اما همواره در سایه ارتجاع حاکم بر ایران، در ریشه کنی واقعی علل های زن ستیزانه حاکم، محافظه کارانه حرکت می نماید و همواره در تمامی حرکت های خود هوشیارانه مواظب است که مبادا زیربنای

نقش روشنفکر مدافع دموکراسی و عدالت اجتماعی خارج از جنبش اجتماعی ایران، باید نقشی در جهت دفاع برابر و مستمر و دائمی از تمامی بخش های جنبش اجتماعی ایران باشد.

برای محک زدن درستی یا نادرستی هر اجتماع هر دولت هر ایدئولوژی هر حزب هر سازمان هر نهاد دموکراتیک و بلاخره هر محیط گرم خانواده، در ابتدا لازم است که نگاه آن اجتماع، دولت، ایدئولوژی و ..... را نسبت بزنان بزیر ذره بین بکشانیم. تا زمانیکه ما به این باور نرسیم که هر گونه تغییری اگر با شرکت فعال زنان نباشد تغییری اساسی و بنیانی نخواهد بود و تا زمانیکه مسئله زنان بطور واقعی در تفکر و جان کلام ما، در تمامی حرکات روزانه ما جای واقعی خود را نیابد، هیچگاه جهانی دیگر ممکن نخواهد بود.

می نمایند. اما خواستن توانستن است. تماس به موقع با گروه تدارک فوروم های جهانی ( بزودی در کراچی پاکستان) از طریق سایت فوروم جهانی در جهت رفع این مشکلات یاری می رساند.

متأسفانه نگاه اپوزیسیون مردانه ضد جمهوری اسلامی درخارج و داخل ایران هم به این جنبش عظیم ( جنبش زنان ایران) نگاهی همچنان از حاشیه است و تنها در مقاطع زمانی چون هشتم مارس جنب و جوش می یابد. چرا؟

چرا مسئله زنان و بحث فمینیسم در ایران به طور اخص تنها بحثی زنانه است. اگر زنان در تمامی بخش های جنبش اجتماعی فعالند این جدا سازی از چیست؟ درست است که زنان باید برای حقوق حقه خود تشکلات مستقل و مبارزه مستقل خود را سازماندهی نمایند، اما

جمهوری اسلامی مورد مخاطره قرار گیرد. فمینیست های مذهبی بجای نفی صریح مذهب اسلام، تلاش می کنند با تعدیل احکام ضد زن اسلامی ( که البته مسکن هست اما چاره درد نیست ) به بقای مذهب اسلام و در نتیجه بقای رژیم جمهوری اسلامی یاری رسانند. برای مثال می توان از سازمان های زنان دولتی درون و در حاشیه حکومت جمهوری اسلامی نام برد.

بنا بر این به جرئت می توان ادعا نمود که جنبش اجتماعی زنان ایران به لحاظ کیفی و کمی و چند سویه گی و موفقیت درکشاندن اقتشار مختلف زنان به مبارزه و نحوه تشکل یابی چندین قدم جلو تر از جنبش کارگری و جنبش دانشجویی در ایران بسر می برد. طبیعتاً این جنبش از ضعف هائی هم بر خوردار است که به اعتقاد من یکی از این ضعف های برجسته عمدتاً به عدم رابطه مستمر و سیستماتیک این جنبش با جنبش فمینیستی بین المللی متشکل در جنبش های اجتماعی جهان بر می گردد. حضور غیر فعال نمایندگان این جنبش در مجامع و کنفرانس های جهانی ضد سرمایه داری پدرسالارانه، ضد جهانی سازی نئولیبرالی و ضد بنیادگرایی و ..... متشکل در فوروم جهانی، جنبش زنان ایران را در ایزولازیسیون نگاه داشته و در رساندن پیام و صدای حق طلبانه زنان ایران به جهانیان خلل وارد می سازد. جهانی سازی از بالا زندگی زنان جهان را هر لحظه به نابودی می کشاند. ما باید جهانی سازی از پایین را شکل دهیم و در این شکل مبارزاتی همبسته جهانی، زنان بخصوص زنان جنوب جهان مهمترین نقش را بازی می نمایند. انتقال تجربیات مبارزاتی و درک درد مشترک پیوندی را ایجاد می نماید که هیچ توپ خانه ای قادر به تلاشی آن نیست. ما برای پیروزی بر جهل و فرهنگ متحجرانه و ارتجاعی و برای مبارزه با سیاست های زن ستیز داخلی و خارجی به دستان زجر دیده و آبدیده زنان آفریقا، آمریکای لاتین، آسیای میانی و نزدیک و دور و بالاخره زنان فمینیست کشورهای شمال جهان احتیاج داریم. این رابطه، رابطه ای متقابل است. امپریالیسم و ارتجاع هر دو از یگانگی ما در سطوح بین المللی بیزارند و با انواع حیل های شناخته شده چون عدم ارائه ویزا، عدم ارائه پاسپورت و.... از شرکت ما در این مجامع جهانی جلوگیری

### سرکوب وحشیانه تجمع زنان

#### هدیه حکومت اسلامی به زنان به مناسبت ۸ مارس

تجمعی که به مناسبت ۸ مارس به دعوت چند تشکل مستقل زنان برای - اعلام همبستگی با زنان جهان و محو هرگونه نابرابری، تبعیض، خشونت و برقراری صلح، عدالت، برابری و آزادی - در پارک دانشجو برگزار شده بود، توسط نیروهای انتظامی به شدت سرکوب شد و تعدادی از شرکت کنندگان در این مراسم دستگیر و بازداشت شدند. پلیس حکومت اسلامی در راستای شعار "مهرورزی" دولت احمدی نژاد به شاعره پر آوازه و صاحب نام ایران، خانم سیمین بهبهانی هم رحم نکرد و برای نشان دادن "مهر" و محبت اسلامی دولت، این زن دلاور را نیز از چماقهای اسلامی بی بهره نگذاشت. بر اساس گزارشاتی که به دست ما رسیده است تعداد زیادی در این تهاجم مجروح شده اند. دلیل این توحش را سردار قدرت الله محمودی فرمانده نیروهای انتظامی که ماموریت سرکوب را عهده دار بوده است " نداشتن مجوز قانونی " ذکر کرده است.

با کمال تأسف عموم خبرگزاریهای داخلی یا در برابرین تهاجم سکوت کرده و یا آن را وارونه منعکس نموده اند. در جمهوری اسلامی هیچ چیز در جای خود قرار ندارد. این حکومت به راحتی حزب اله را راهی سفارتخانه های کشورهای دیگر می کند و بدون مزاحمت نیروهای انتظامی سفارتخانه ها به آتش کشیده می شوند، اما یک تجمع برای دفاع از حقوق زنان با شعار صلح و برابری به خون کشیده می شود.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران ضمن محکوم کردن این ددمنشی و سرکوب زنان کشورمان، همه سازمانها و احزاب سیاسی نهادهای دموکراتیک و مجامع دفاع از حقوق بشر را به اعتراض علیه این وحشیگری حکومت در روز ۸ مارس فرا می خواند. ما برای مقابله با این اقدام به ویژه در روز جهانی زن، همه آنانی که در مخالفت با تبعیض زنان قلم زده و قدم برداشته اند به حرکت یکپارچه اعتراضی برای محکوم کردن این حکومت "مهرورزی" و آزادی دستگیر شدگان این گردهمایی، فرامی خوانیم.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

۸ مارس ۲۰۰۶